

قوانین جزائی کشورهای مسلمان

مقایسه کوتاهی میان مقررات جزائی اسلام و قوانین
فعلی کشورهای اسلامی .

* * *

در مقاله گذشته درباره قوانین مدنی کشورهای مسلمان سخن گفتیم و باختصار شرح دادیم که این قوانین در موارد متعددی تحت تأثیر حقوق غربی قرار گرفته‌اند و بعضی از آنها کاملاً رنگ اسلامی را از دست داده‌اند ، همچنانکه یادآور شدیم که در اثر این تقلید و تحول ناصواب لطمه‌های جبران ناپذیری بشخصیت اسلامی و ملی ملل مسلمان وارد گشته است و بانضمام عوامل دیگری امروز وضع مسلمانها چنان گردیده که عامل تقاید کور کورانها از ضرب در زندگی اجتماعی و فردی آنها مؤثرترین نقش‌ها را بازی میکند .

در مورد قوانین جزائی این کشورها نیز باید یادآور شویم که مناسبانه در این باب وضع کشورهای اسلامی از قوانین مدنی بدتر و بهراتب اسف‌آورتر است ، در این باب مخصوصاً قانونگذاران ما ایرانیان علاوه بر اینکه دست بتغییر و ته‌طیل قوانین جزائی آسمانی و دینی مازده‌اند عده‌ای از آنها قدم فراتر نهاده درست مانند اروپاییها که از اسلام بی‌اطلاع و یادشمن سر بیخت آند زبان باعتراض و انتقاد از مقررات اسلامی گشوده‌اند و آنها را ناقص و کهنه خوانده‌اند ؛ همچنانکه جمعی از اساتید و نویسندگان حقوق کشور ما نیز در این اقدامات ضد اسلامی کوشش بسیار نموده‌اند و سخنان گوشه‌دار و اعتراض آمیز آنان درباره حقوق جنائی اسلام در بی‌اعتنا ساختن دانشجویان و طبقه ~~مستعد~~ ممالکت بائین و مقررات اسلامی تأثیر فراوان بخشیده است ، دهها عوامل دیگر نیز از جهات مختلف بوضع مذکور اضافه گردیده و چنانکه مطلعین از وضع دانشکده حقوق ما آگاهند امروز در این دانشکده از حقوق جنائی اسلام بعنوان یک حقوق ناقص و غیر قابل تطبیق بزمان حاضر نام برده میشود

در این مقاله برای اینکه عموم خوانندگان عزیز را به وضع قوانین جزائی کشور های اسلامی و مخالفت مکرر آنها با مقررات اسلامی آشنا کنیم تنها به مقایسه و یادآوری چند مورد از مقررات اسلامی و قانون مجازات عمومی ایران اکتفاء نموده ایم و انتخاب قانون مجازات عمومی ایران و استنهاد به آن به این جهت میباشد که از نظر مورد بحث ما تفاوت های بارزی میان قانون مجازات عمومی ایران و قوانین جزائی سایر ممالک اسلامی وجود ندارد؛ در مواردیکه ذیلاً برای نمونه یادآوری میکنیم میان مقررات اسلامی و مواد قانون جزائی ایران مخالفت صریح دیده میشود، و البته موارد مخالفت دیگر در اینجا منظور ما نبوده است:

۱- مجازات قتل و جرح و ضرب عمدی - در مورد قتل عمدی قانون اسلامی قصاص است که قرآن درباره اهمیت آن فرموده: «**لَا تَلْبَسُوا**» (۱) تفسیر این قانون آسمانی در مورد قتل عمدی بطور اجمال چنین است:

«هر گاه کسی عمداً دیگری را بقتل رساند چنانکه شرائط و قیود معینی مانند تساوی در دین و آزادی و مانند اینها که در کتب فقه مشروحاً گفته شده موجود باشد حکومت اسلامی بنا بر درخواست نزدیکترین بازماندگان مقتول (اولیاء خون) باید شخص قاتل را اعدام کند، اعدام قاتل قطعی است مگر اینکه بازماندگان مقتول با قاتل به گره خورن و آنها صرف نظر از قصاص توافق کنند و یا اینکه قاتل را مورد عفو و عطفوت برادرانه اسلامی قرار داده بدون دریافت خونبها از قصاص منصرف شوند؛ در این دو صورت قاتل اعدام نخواهد شد»

ولی قانون مجازات عمومی ایران در ماده (۱۷۰) مجازات قتل عمدی را چنین معین میکند: «مجازات مرتکب قتل عمدی اعدام است مگر در مواردی که قانوناً استثناء شده باشد» بطوریکه ملاحظه میفرمائید در قانون مجازات اولاً اجراء مجازات اعدام موقوف بر درخواست ولی دم نگردیده و عفو و یا توافق بخونبها نیز بهیچوجه مسقط مجازات نمیتواند باشد و ثانیاً شرطی که در فقه اسلامی برای اعدام قاتل معین شده در قانون جزا هیچکدام از آنها اعتبار نشده است.

بنابر اقتل عمدی در مواردی از جرح و ضرب عمدی نیز اسلام مجازات قصاص را مقرر داشته است و در این موارد: «حکومت اسلامی بنا بر درخواست شخص مجنی علیه قانون (النفس بالنفس والعین بالعین والانیف بالانیف والاذن بالاذن والسن بالسن

(۱) ای صاحبان خرد (آگاه باشید) که در قصاص برای شما حیات است.

والجروح قصاص . . . (۱) را عملی می‌کند ، بحکم این قانون از همان عضو جانی که مورد جنایت و اضرار در بدن جانی علیه قرار گرفته با اضرار قصاص میشود و یا مانند همان زخمی که بر مجنی علیه وارد گشته در صورتیکه قابل اندازه گیری و مراعات تساوی میان زخم وارده و زخم قصاصی باشد بر بدن جانی زده میشود ؛ این نوع از قصاص نیز با توافق طرفین بدریافت دیه و یا بدون آن قابل عفو و اسقاط است و دارای شروط خاصی است قانون مجازات عمومی در همین موارد نیز که اسلام قصاص را مقرر داشته مجازات دیگری معین نموده و در ماده ۱۷۴ چنین میگوید :

« هر کس عمداً بدگری جرح یا ضربی وارد آورد که موجب قطع یا نقصان یا شکستن یا از کار افتادن عضوی از اعضاء و یا منتهی بمرض دائمی یا فقدان یکی از حواس مجنی علیه گردد از دو تا سه سال حبس مجرد محکوم خواهد گردید و در صورتی که منتهی بزوال عقل گردد بحد اکثر مجازات مزبور محکوم خواهد شد ، این ماده شامل جرائمی میباشد که در اسلام مجازات آنها قصاص عضوی به اصطلاح فقهاء و قصاص الطرف است و علاوه بر تفاوت هائی که در مورد مجازات قبل عمدی در میان قانون اسلام و قانون مجازات عمومی موجود بود و اینجا نیز موجود است ؛ در خصوص این جرائم اساساً ماهیت مجازات بکلی عوض شد و حبس مجرد جایگزین قاعده اسلامی (چشم در مقابل چشم ، بینی به بینی ، گوش به گوش ؛ دندان به دندان . .) گردیده است .

۲- مجازات سرقت - همه میدانیم که در اسلام مجازات سرقت در صورتیکه شرائط مخصوص و مشروح رفته ؛ حاصل باشد بریدن چهار انگشت دست است ؛ قرآن مجید در این باره فرموده : **« و السارق و السارقة فاقطعوا ایدیهماء »** (۲) تکرار جرم سرقت پس از اجراء شدن حد و همچنین چگونگی شرائط آن نیز چون احتیاج به شرح مفصلی دارد در اینجا مورد بحث ما واقع نمیشود و پس از توجه باصل مجازات اینک نظری به قانون مجازات عمومی میکنیم و بطور اختصار یادآور میشویم که در قانون مجازات عمومی ایران برای انواع سرقت مجازات های مختلفی معین شده و بیان آنها در این مقاله نمی‌گنجد ؛ اجمالاً این تفاوت اساسی میان قانون

(۱) ترجمه کامل آیه شریفه چنین است : (در تورات بر بنی اسرائیل حکم کردیم که نفس را در مقابل نفس قصاص کنند و چشم را در مقابل چشم و بینی را بینی و گوش را بگوش و دندان را بدندان و هر زخمی را قصاص خواهد بود پس هر گاه کسی بجای قصاص بصدقه (دیه) راضی شود نیکی کرده و کفاره گناه او خواهد شد و هر کس خلاف آنچه خدا فرستاده حکم کند از ستمکاران خواهد بود) سوره مائده - آیه ۴۵ -

(۲) مرد سارق و زن سارق را (به مجازات) دست ببرید

مجازات عمومی و قانون اسلام مشهود و موجود است که در قانون مجازات در همه موارد بجای بریدن دست و سایر مجازاتهای دیگر سرعت در اسلام؛ حبس با اعمال شاقه و یا حبس تأدیبی معین گردیده است.

۳- مجازات زنا و توابع آن - از آنجا که دین مقدس اسلام بمسئله حفظ نسل و اخلاق و عفت؛ اهمیت بسیار حیاتی و اساسی قائل شده برای عمل شنیع زنا و توابع آن مانند لواط و قیاده و سحاق. مجازات های شدیدی معین کرده است، قرآن مجید در باره مجازات زنا و غیر محصنه فرموده:

« الزانیة والزانی فاجلدوا کل واحد منهما مائة جلدة » (۱) در قه اسلامی نیز به ثبوت قطعی رسیده که مجازات زنا و محصنه (زنا و کسی که دارای همبستر مشروع بوده و بآن دسترسی دارد) اعدام بوسیله سنگسار است مجازات های توابع زنا و سایر مسائل مربوط به تکرار جرم و غیر آن در اینجا مورد بحث نیست و برای اختصار بشرح آن نمی پردازیم، در قانون مجازات عمومی برای اقسام زنا و توابع آن مجازات های مختلفی وضع شده که ما اجمالاً به چند تفاوت اساسی میان آنها و قانون اسلام اشاره میکنیم:

۱- در مواردی که مجازات اسلامی مرد و زن زناکار صد ضرب شلاق است قانون مجازات، حبس با اعمال شاقه و یا حبس تأدیبی معین نموده.

۲- همچنین در مواردی که مجازات اسلامی زنا اعدام بوسیله سنگسار کردن است قانون مجازات حبس را معین نموده است.

۳- در اسلام برای زنا مطلقاً مجازات معین شده ولی قانون مجازات اسرائیل از زنا را اصلاً جرم نشناخته و روی همین اصل است که متأسفانه در کشورهای اسلامی فحشاء يك شغل آزاد و بلا تعقیب میباشد.

۴- مجازات شراب خوردن قرآن مجید در باره تحریم شرب خمر و نکوهش از این سم خطرناک فرموده: «یا ایها الذین آمنوا انما الخمر والانس و الانصاب والازلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه» (۱) و در قه اسلامی بنبوت رسیده که مجازات شرب خمر هشتاد ضرب شلاق است و تکرار جرم و سایر مسائل مربوطه نیز احکام جداگانه دیگری دارد که فعلاً مورد نظر نمیباشد.

(۱) هر کدام از زن زناکار و مرد زناکار را (به مجازات) صد ضرب شلاق بزنید.

(۱) ای گروه مؤمنان خمر و قمار و انصاب و ازالام (دو نوع از قمار) پلید و کردارهای

شیطانند از این (کردارهای زشت) بپرهیزید.

در قانون مجازات عمومی شرب خمر اسلا جرم شناخته نشده و امروز در ممالک اسلامی هر سال صدها میلیون تومان بودجه کشور صرف مشروبات مهلك الكلی میگردد و در عوض سالانه مشتی مردوزن الكلیسم و دیوانه وانگل به جامعه مسلمین افزوده میشود !!

۵ - مجازات ارتداد - در اسلام مجازات خروج از اسلام (ارتداد) در حق کسی که در خانواده مسلمان بدنیا آمده و سپس اسلام آورده، این است که تا مدت معینی او را بتوبه و بازگشت باسلام وادار مسلمان بدنیا نیا آمده و سپس اسلام آورده، این است که تا مدت معینی او را بتوبه و بازگشت باسلام وادار میکنند و اگر از بازگشت امتناع نمود او را نیز اعدام میکنند، جرم ارتداد یک سلسله احکام قضائی و اجتماعی دیگر نیز دارد که در این مقاله مجال شرح آن نیست همچنانکه مجازات اعدام در مورد ارتداد در حق زن عملی نمیشود و مجازات آنها در مورد ارتداد حبس با شرایط مخصوصی میباشد. قانون مجازات عمومی ارتداد را نیز جرم شناخته است.

موارد مذکور تنها چند نمونه بارز از مخالفت حقوق جزائی ایران و سایر ممالک اسلامی با مقررات اسلام میباشد که در اینجا خیلی به اختصار یاد آور شدیم و در سایر قوانین مربوطه نیز مانند آئین دادرسی جزائی اختلافات فاحشی میان مقررات اسلامی و این قوانین وجود دارد و بطور خلاصه این اختلافات از اتخاذ اصولی ناشی شده است که اخیراً در عالم حقوق جزائی بظهور پیوسته و با اینکه قسمت بسیار عمده ای از آنها چیزی غیر از اصول عالیة اسلامی نمیباشد قسمتی از آنها با نظریات اسلامی مخالف است و اختلافات مذکور از همین قسم دوم ناشی شده است.

مشك آنست كه خود ببويد

حضرت امیر مؤمنان (ع) فرمودند: «برای اهل دین نشانه هائست که بوسیله آنها شناخته میشوند: راستگرایی، رعایت امانت؛ وفا به عهد و پیمان؛ نیکرفتاری با خویشاوندان، رحم بر ضعیفان؛ بخشش و انفاق؛ اخلاق نیک و پیروی از علم»

نیز حضرتش فرمودند: «مؤمن کسی است که دارای کسب پاکیزه و حلال، اخلاق نیک و نیت پاک باشد و از مالش در راه خدا انفاق کند، از گفتن سخن ناروا خودداری کند، با مردم مطابق انصاف رفتار نماید و به بیچکس اذیت و آزار نرساند (نقل از سفینة البحار جلد ۱)

امام صادق (ع) نیز مایند: «شخصت در مؤمن نیست: دروغ؛ حسد؛ ظلم؛ بخل؛ سختگیری و لجاجت»

(وسائل جلد ۴)